

نمکارس: آقای م. اورنگ

آئین درخت کاری در ایران باستان

برای پی بردن به ارزش درخت و درخت کاری در ایران باستان ، باید نخست در گفته های کتاب کهنسال آویستا بررسی کنیم و سپس بد نامه ها و نوشته های دیگر پردازیم .

زیرا کتاب آویستا کهن ترین بنیاد نامه آئین و فرهنگ ایران باستان است که پیشینه پاره ئی از بخشهای آن ، نزدیک بد هشتاد و پنج (۸۵) سده پیش می رسد و جلوتر از همه کتابهای جهان میباشد .

از این گذشته ، در این کتاب باستانی دینی و میهنی ، ارزش زیادی برای آباد کردن روی زمین از راه درخت کاری و گل کاری و کشت و ور زیاد شده است .

یعنی این کارها در آئین ایران باستان بهترین راه پرستش بدرگاه خدایان میباشد . زیرا از راه آباد شدن روی زمین است که مردم میتوانند باخوشی و خرمی زندگی کنند و از کار و کوشش خود بهره ببرند .

از راه کشت و رز و درختکاری و گلکاری و بدید آوردن باغ و بستان و چمن زارهای سبز و خرم است که روی زمین شکوه و زیبایی پیدا میکند و مایه شادمانی جان و روان مردم میگردد .

زرتشت بزرگ از راه پی بردن به ارزش این داده های زیبا و سود بخش است که بادست خود در بلخ درخت سرو را کاشت و آئین درخت کاری بمردم آموخت .

از راه ارزشمند بودن این داده‌های سودمند ایزدی است که زرتشت دستور داده شاخه‌های زیبای درخت را بنام برسم، درست بگیرند و آن را نمودار همه‌رستی ها بدانند و بیاد همه درختها و دیگر روئیدنی‌ها بآن درود بفرستند و بدینسان سپاس بخششهای خدا را بجای بیاورند .

روپهم رفته درخت کاری و کاشتن و پروراندن دیگر روئیدنیها که زیب آرایش روی زمین و مایه زندگی آدمیان و دیگر جانداران است ، در آئین زرتشت بسیار نیکو شمرده شده و بهترین راه برستش بشمار رفته است .

برای همین است که در کتاب ویسپهرد ، کرده ۳ بند ۲ ، گروه کشاورزانرا بنام افزایش دهنده یا پیشرفت دهنده یاد میکند و بآنها درود میفرستد .

اینگونه درودها را در بسیاری از بخشهای دیگر آویستا نیز درباره این دسته از مردم که روی زمین از راه کشاورزی و کاشتن دارو درخت آباد می کنند می بینیم و به ارزش این کار بخوبی پی می بریم .

گفتگو در باره کشت و رز و درختکاری در نامه‌های باستانی خیلی زیاد است ولی در اینجا سخن را کوتاه می کنیم و بویژه چیزهایی را مینویسم که بیشتر با درخت کاری بستگی داشته باشد و ارج و ارزش آنها برساند .

با آنچه گفته شد ، چکیده آنچه را که اکنون بیاد داریم در اینجا بخش بندی می کنیم و در این بخش بندیها به بررسی می پردازیم .

این بخش بندیها در باره درخت و درخت کاری و دیگر چیزهای وابسته بآن بدینسان می باشد :

برسم

یکی از برنامه‌های آئین زرتشت در باره نشان دادن ارزش درخت و درختکاری و دیگر رستیها ، داستان برسم و نمازها و نیایشهای وابسته بآن است .

همانطوریکه یادآور شدیم ، برسم شاخه های نازکی است از یک درخت زیبا و خوب ، بویژه شاخه های درخت انار که زیبا و نیکو است .

موبدان زرتشتی اینگونه شاخه ها را با انجام دادن آئین نماز و نیایش ، باکارد ویژه ای که بنام برسم چین است از درخت می چینند و آنها را می شویند و دسته میکنند و درجائی که برسمدان نام دارد میگذارند .

موبدان زرتشتی در هنگام بجا آوردن نیایشهای دینی در انجمنهای همگانی این برسم را با یکدسته گل زیبا روی میز جای می دهند و به نگاه کردن آنها ، می پردازند بخواندن آویستا و بجا آوردن ستایشها و نیایشهای دینی . در میان آویستا خواندن بجاهائی هم میرسند که از برسم یاد می کند و بآن درود میفرستد .

این همه راه و روش بزرگداشت به برسم برای این است که برسم نماینده درختان و دیگر روئیدنیها می باشد .

یعنی در انجمنهای ستایش و نیایش باید باین برسمها نگاه کنند و از اینراه بیاد درختهای زیبا و سودمند و همچنین بیاد دیگر روئیدنیها بیفتند و در اندیشه کاشتن و پروراندن آنها باشند .

کوتاه سخن اینکه برسم دربرستشگاههای زرتشتیان ، نمودار درختها و دیگر گونه کاشتنی هاست .

داستان گرامی داشت برسم آموزش خوبی است برای مردم که از این راه به ارزش درخت و درختکاری و دیگر چیزها پی ببرند و برای افزایش آنها گام بردارند . برای نمایاندن ارزش درخت و درختکاری و آباد کردن روی زمین از راه کشت و رز . از این بهتر چیست که زرتشت از راه انجام دادن ستایشهای دینی برای آن برنامه درست کرده و با این برنامه مردم را باین کار پرارزش راهنمایی کرده است .

در باره راه و روش نگاهداری برسم دیگر بیش از این چیزی نمی نویسیم و بسخنان گوناگون دیگر می پردازیم .

کاشتن درخت میوه

در فرگرد ۳ بند ۴ و ۲۳ ، از کتاب : وی دیوداد که به نادرست آنرا وندیداد می خوانند ، برای کاشتن درخت میوه دار سفارش میکند و میگوید :
خوشترین جای زمین آنجاست که در آن غله و روئیدنیهای دیگر و درخت میوه دار بکارند و در زمین خشک آب آورند و زمین مرداب را خشک کنند .

دین را به پیکره درخت نمایانند

در نامه های باستانی گاهی بسخنائی بر می خوریم که دین را به پیکره درخت خوب نشان میدهد و چنین میرساند که دین ایزدی مانند درخت خوب و پاک بالا میرود و بزرگ می شود و بارو بر نیک می پروراند .
دین را به پیکره خوب نمایانند ، خودش بهترین نمونه ای است برای نشان دادن ارزش درخت و آموزش خوبی است برای مردم که درخت بکارند و از این راه برزیب و آرایش زمین بیفزایند .

در این باره خوب است سرودهای شاهنامه شادروان فردوسی توسی را که در آغاز داستان پیدایش زرتشت از زبان دقیقی یاد شده است گواه بیاوریم .
اینک آن سروده ها :

چو یکچند گاهی برآمد براین	درختی پدید آمد اندر زمین
از ایوان گشتاسب تا پیش کاخ	درختی گشن بیخ و بسیار شاخ
همه برگ او پند و بارش خرد	کسی کو چنان بر خوردگی مرد
یکی پاک پیدا شد اندر جهان	بدست اندرش مجمر عودیان
خجسته پی و نام او زرد هشت	که اهریمن بد کنش را بکشت

شاه جهان گفت پیغمبرم ترا سوی یزدان همی رهبرم
چنانکه می بینیم در اینجا آئین زرتشت را به پیکره درخت خوب نشان میدهد
و پند و خرد را برگ و بار آن میخواند که هر کس از آن بخورد هرگز نمی میرد و از
راه دین و دانش برای همیشه زنده میماند .

نمردن برای همیشه زنده ماندن، نمودار نام نیک جاودانی است که از نیکو کاران
به یادگار میماند و درخور درود و آفرین مردم میشود .

درخت کاشتن زرتشت

چنانکه در پیش یادآور شدیم ، شت زرتشت به است خودش درخت سرو کاشت
و بدینسان بهترین درس درخت کاری ب مردم آموخت .

برای پی بردن به چگونگی این داستان آموزشی ، بهتر این است سروده های
دقیقی را از شاهنامه فردوسی بزرگ یاد کنیم و از این راه ارزش برنامه زرتشت را
بنمایانیم .

در شاهنامه فردوسی از زبان دقیقی چنین می گوید :

یکی سرو آزاده را زرد هشت	به پیش در آذر اندر بکشت
نشته بدان زاد سرو سهی	که پذیرفت گشتاسب دین بهی
گوا کرد مر سرو آزاد را	چنین گستراند خرد داد را
چو چندی بر آمد بر این سالیان	بید سرو بالا سترش میان
چنان گشت آزاد سرو بلند	که بر کرد او برنگشتی کمند
چو بالا بر آورد بسیار شاخ	بگرداز بر او یکی خوب کاخ
چهل رمش بالا و پهن چهل	نکرد از بنه اندر و آب گل
یک ایوان بر آوردش از زر پاک	زمینش همه سیم و عنبرش خاک

بر او برنکارید جمشید را
 فریدون ابا کرزه کاو سار
 همه مهتران را بدانجا نکاشت
 چونیکو شد آن نامور کاخ زر
 بگردش یکی باره آهنین
 فرستاد هر سو بکشور پیام
 زمینو فرستاد زی من خدای
 کنون جمله این بند من بشنوید
 بگیرید یکسر ره زرد هشت
 به برز و فر شاه ایرانیان
 بائین پیشینگان منگرید
 سوی گنبد آذر آرید روی
 بیزدان که هرگز نبیند بهشت
 پراکنده گفتارش اندر جهان
 همه تاجداران بفرمان اوی
 بهشتیش خوان اردنانی همی
 چرا کش نخوانی چراغ بهشت
 پرستشکده شد از ایشان بهشت
 برستند ماه و خورشید را
 بفرمود کردن بر آنجا نگار
 نگرتا چنین کامکاری که داشت
 بدیوارها بر نهادش گهر
 نشست اندرو کرد شاه زمین
 که چون سرو کشرم بگیتی کدام
 مرا گفت از اینجا به مینو بر آی
 پیاده سوی سرو کشرم روید
 بسوی بت چین بر آرید پشت
 بیندید کشتی همه بر میان
 بدین سایه سرو بن بگریوید
 بفرمان پیغمبر راستگوی
 کسی کوندارد ره زرد هشت
 سوی نامداران وسوی مهان
 سوی سرو کشرم نهادند روی
 چرا سرو کشرمش خوانی همی
 که چون سرو کشرم بگیتی که گشت
 بیست اندر او دیورا زرد هشت

چون از کاشته شدن درخت سرو کشرم بدست زرتشت وارج وارزش پیدا کردن
 آن در نزد گشتاسب شاه و دیگر ریزه کاریهای این داستان شیرین و دلنشین آگاه
 شدیم ، اینک میپردازیم بسخنان دیگر در باره ارزش درخت و درخت کاری .

بقیه دارد